

# بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس شرم در دانشجویان دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز

جلیل اعتماد<sup>۱</sup>

بهرام جوکار<sup>۲</sup>

سمیرا راهیما<sup>۳</sup>

نرگس فخاری<sup>۴</sup>

## چکیده

**زمینه:** احساس شرم از جمله مهمترین هیجان‌هاست که نقش تعیین‌کننده در روابط بین فردی و سازگاری اجتماعی دارد. به همین لحاظ تهیه ابزارهایی جهت سنجش این سازه ضروری می‌نماید. **هدف:** هدف از این پژوهش فراهم کردن مقدمات لازم جهت استفاده از مقیاس شرم ساخته‌شده توسط رایزوی (۲۰۰۹) در میان جمعیت دانشجویی ایرانی بود. **روش:** در این راستا به منظور سنجش روایی مقیاس ابتدا از نرمال بودن توزیع داده‌ها برای مقیاس شرم اطمینان حاصل شد، سپس برای کشف ساختار عاملی از تحلیل عامل با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد. از همبستگی این مقیاس با مقیاس‌های معتبر سنجش هیجان‌ها خودآگاه شرم به عنوان روایی همگرا و از همبستگی با مقیاس شادکامی به عنوان روایی واگرا، استفاده شد. پایایی مقیاس نیز به شیوه همسانی درونی گویه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. شرکت‌کنندگان پژوهش ۲۳۱ نفر از دانشجویان دختر (۱۳۴) و پسر (۹۷) دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز بودند. **یافته‌ها:** نتایج به دست آمده نشان داد که مقیاس شرم در جمعیت ایرانی دارای ساختار دو عاملی می‌باشد که تحت عناوین "خطای اخلاقی" و "بی‌کفایتی خود" نام‌گذاری شدند. همبستگی این مقیاس با مقیاس هیجان‌ها خودآگاه حاکی از آن بود که مقیاس شرم رایزوی دارای روایی همگرا می‌باشد و رابطه با مقیاس شادی نیز به عنوان شاخص روایی و اگر استفاده شد و نتیجه حاکی از این بود که مؤلفه خطای اخلاقی بر خلاف دو مؤلفه دیگر مقیاس شرم رابطه معناداری با شادی نداشت. علاوه بر این، مقایسه نمرات دختران و پسران بیانگر آن بود که دختران در برخی مؤلفه‌ها نمرات بالاتری از پسران داشته‌اند.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های این پژوهش مؤید روایی همگرا، واگرا و همسانی درونی مناسب مقیاس برای استفاده در ایران بود. فرهنگ وابسته بودن مقیاس شرم با توجه به نتایج مورد بحث قرار گرفت.

واژگان کلیدی: هیجان‌ها اخلاقی، شرم، تحلیل ساختار عاملی، روایی، پایایی

Jetemaad@gmail.com

Bjowkar@rose.shirazu.ac.ir

Rahpeima.s@gmail.com

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

## مقدمه

از دیرباز مفهوم‌سازی، تبیین و طبقه‌بندی هیجانات، از چالش‌های جدی اندیشمندان و روان‌شناسان بوده است. در خصوص طبقه‌بندی هیجانات، می‌توان گفت: هیجانات از یک منظر، به خودآگاه<sup>۱</sup> (نظیر غرور<sup>۲</sup>، امید<sup>۳</sup>، شرم<sup>۴</sup> و گناه<sup>۵</sup>) و ناخودآگاه (نظیر ترس<sup>۶</sup>، خشم<sup>۷</sup> و اضطراب<sup>۸</sup>) و از منظر دیگر به هیجانات فردی و اجتماعی-اخلاقی تقسیم بندی شده‌اند. شمار پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه هیجانات ناخودآگاه و فردی بسیار بیشتر از تحقیقات انجام‌شده در زمینه هیجانات خودآگاه و اخلاقی است. هیجانات اخلاقی آن دسته از هیجانات هستند که در رابطه با امر اخلاقی<sup>۹</sup> تعریف می‌شوند. به دیگر سخن، این هیجانات به بهزیستی و علاقه به مردمان دیگر مربوط می‌شوند (هایدت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳). این هیجانات در روابط اجتماعی ریشه دارد، بر ارزشیابی‌ها و قضاوت‌های دوسویه از خود و دیگران مبتنی است (فیسچر و تانجی<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۵، به نقل از تانجی، ۲۰۰۴)، و تنظیم‌کننده رفتار اخلاقی و نیز شکل‌دهنده‌های نشانگان روان‌شناختی است (تانجی، ۱۹۹۶).

"احساس شرم" یکی از هیجانات اجتماعی-اخلاقی و خودآگاه زندگی انسان‌ها است و تقریباً هر کس برای یک بار هم که شده آن را تجربه نموده است. این هیجان نه تنها در مسائل بهداشت روانی، بلکه در مباحث و پژوهش‌های حقوقی، اخلاقی، نوع‌دوستانه و دینی نیز به نوعی مورد توجه و بحث است (برای مثال، مارتینز-پیلکینگتون<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷؛ نوسباوم<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۴). علی‌رغم عام بودن این هیجان، مفهوم‌سازی و تعریف آن دشواری‌های

1. conscious
2. pride
3. hope
4. shame
5. guilt
6. fear
7. anger
8. anxiety
9. morality
10. Haidt
11. Fischer & Tangney
12. Martinz- Pilkington

بسیاری را برای اندیشمندان فراهم آورده است. این امر زمانی خود نمایی بیشتری دارد که بدانیم، مفهوم‌سازی آن تحت تأثیر بافت‌های خرد و کلان فرهنگی و نیز هنجارهای اجتماعی قرار دارد.

تانجی (۱۹۹۶) با بیان برخی از مسائل روش‌شناختی و مفهومی، عمده‌ترین چالش‌پیش روی محققان این حوزه را تمایز انواع هیجانات خودآگاه اخلاقی از یکدیگر می‌داند. در خصوص احساس شرم این چالش در تمایز آن از احساس گناه جلوه‌گر می‌شود. فروید، به عنوان یکی از اسلاف این حوزه در آثار اولیه خود (۱۹۰۵-۱۹۳۵) از شرم به عنوان واکنش وارونه در مقابل تکانه‌های نمایشگرانه جنسی سخن می‌گوید؛ اما در نوشته‌های بعدی خود (به نقل از تانجی و دیرینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴)، از مفهوم شرم چشم‌پوشی می‌کند و بر یک مفهوم به نسبت شناختی گناه وابسته به تعارضات فرامن تمرکز می‌کند. به همین دلیل، تانجی (۲۰۰۴) معتقد است فروید در نظریه خود تا حد زیادی در تمایز بین دو هیجان شرم و گناه مسامحه ورزیده است. پس از فروید نظریات نثو فرویدی در ایجاد تمایز بین شرم و گناه تلاش کردند (ن. ک. هارتمن و لونستین<sup>۲</sup>، ۱۹۶۲؛ جاکوبسن<sup>۳</sup>، ۱۹۵۴؛ پیرس و سینگر<sup>۴</sup>، ۱۹۵۳، به نقل از تانجی و دیرینگ، ۲۰۰۴). روان‌شناسانی نظیر، پیرس و سینگر (۱۹۵۳)، به نقل از تانجی، (۲۰۰۴) احساس گناه را ناشی از تعارض من<sup>۵</sup> و فرامن<sup>۶</sup> اما احساس شرم را ناشی از تعارض من و من آرمانی<sup>۷</sup> می‌دانند که بنیادهای آن در احساس حقارت، ترس از ترک شدن و از دست دادن محبت می‌باشد.

لوییس<sup>۸</sup> (۱۹۷۱)، به نقل از تانجی، (۱۹۹۶) به گونه‌ای خاص و عمیق در زمینه تفکیک احساس شرم و گناه، نظریه‌پردازی نموده است. او تأکید کرده است که در احساس شرم

1. Tangney & Dearing
2. Hartmann & Loewenstein
3. Jacobson
4. Piers & Singer
5. ego
6. super ego
7. ideal ego
8. H.B. Lewis

تمرکز بر "خود" ولی در احساس گناه تمرکز بر رفتار خطا می‌باشد. بر این اساس کلید تفاوت میان شرم و گناه با توجه به نقش "خود" در این تجارب است. در احساس شرم تمرکز ارزیابی منفی بر "خود" است ولی در احساس گناه تمرکز ارزیابی منفی بر رفتار انجام شده یا ناتمام می‌باشد.

در سال‌های اخیر این تمایز از منظرهای شناختی نیز مفهوم‌سازی شده است. مثلاً، تری‌سی و رایینز (۲۰۰۶) نشان دادند که احساس شرم با اسنادهای درونی<sup>۱</sup>، پایدار<sup>۲</sup> و غیرقابل کنترل<sup>۳</sup> درحالی که احساس گناه با اسنادهای درونی، غیر پایدار<sup>۴</sup> و قابل کنترل<sup>۵</sup> درباره شکست رابطه مثبت دارند. مؤلفه‌های اسناد شناختی شرم و گناه همچنین با تمایز جانوف بولمان<sup>۶</sup> (۱۹۷۹)، به نقل از تانجی، (۲۰۰۴) بین خودسرزندی رفتاری و خودسرزندی شخصیتی همسو است. به لحاظ نظری احساسات شرم‌گینانه (درباره خود) بیشتر وابسته به خودسرزندی شخصیتی است و احساسات گناهکارانه (درباره رفتار خاص) بیشتر به خودسرزندی رفتاری وابسته است.

اگر چه تحقیقات پیشین بخش اساسی تمایز گذاری میان شرم و احساس گناه را از منظر سازگاری و ناسازگاری این دو هیجان بررسی کرده بودند و در نهایت شرم را به عنوان یک هیجان یکسره ناسازگار تلقی کرده‌اند، نظریاتی نیز وجود دارند که با این نوع تعریف از شرم و نتیجه‌گیری با دیدگاه انتقادی برخورد کرده‌اند. در این میان کسانی همچون اشنایدر (۱۹۷۷)، و کافمن، (۱۹۸۹) به نقل از بالدوین، بالدوین و ایوالد<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) به جنبه‌های مثبت شرم نیز اشاره داشته‌اند. اشنایدر با تأکید بر اینکه هسته اصلی شرم قابلیت رؤیت شدن و در معرض قرار گرفتن است، معتقد است شرم می‌تواند از در معرض قرار گرفتن شدید

1. internal
2. stable
3. uncontrollable
4. unstable
5. controllable
6. Janoff-Bulman
7. Baldwin & Ewald

زمانی که آسیب‌پذیر هستیم ما را حمایت کند.

همچنین بونهوفر (۱۹۵۵)، به نقل از بالدوین و همکاران، (۲۰۰۶) با قائل شدن دو جنبه برای شرم، یکی از جنبه‌های مثبت آن را عبارت می‌داند از مانعی حمایتی برای محافظت از بخش‌هایی از شخص که پنهان مانده‌اند. در همین راستا کافمن (۱۹۸۹) با اتخاذ یک موضع انتقادی و تأکید بر اینکه زبان ادراکات ما را شکل می‌دهد، معتقد است که زبان نظریات روان تحلیل‌گری، روابط شیء، بین فردی و شناختی رفتاری به طور مناسب نمی‌تواند شرم را نشان دهد و او برای تعریف شرم از زبان نظریه عاطفه ساخته شده توسط تامکینز (۱۹۶۲) به نقل از بالدوین و همکاران، (۲۰۰۶) استفاده کرد و شرم را به عنوان عاطفه‌ای که متمرکز است بر رشد خود در نظر گرفت. شرم می‌تواند با گستره‌ای از سازه‌های وابسته به خود عجین باشد (بالدوین و همکاران، ۲۰۰۶).

برخی دیگر از محققان شرم نیز با انجام مطالعات نظری و تجربی در این زمینه عنوان کرده‌اند که در فرهنگ شرقی که واجد جمع‌گرایی<sup>۱</sup> و "خود" وابسته به دیگری<sup>۲</sup> می‌باشد، شرم و احساس گناه نسبت به هم درون‌بودگی<sup>۳</sup> می‌کنند<sup>۴</sup> و کارکرد شرم عموماً سازگارانانه است (نک؛ مارکوس و کیتایاما<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱؛ لی و فیسچر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳).

به تبع مسائل مربوط به مفهوم‌سازی سازه احساس شرم، اندازه‌گیری این سازه نیز بسیار دشوار می‌نمود. بسیاری از ابزارهای موجود که به سنجش احساس شرم اختصاص یافته‌اند دارای محدودیت‌هایی هستند، از جمله عدم ارائه تعریف روشن از شرم، عدم تمایز مشخص بین شرم و گناه (فoster<sup>۷</sup> و رایزوی، ۲۰۰۸، به نقل از رایزوی، ۲۰۰۹) و همبستگی بالا بین زیرمقیاس‌های این دو هیجان، ناتوانی در سنجش محرک‌های برانگیزاننده شرم و

1. collectivism

2. collectivism

3. immanence

۴. این کلمه برگرفته از ادبیات فیلسوفان و روان‌شناسان وجودی است و به دلیل بیان‌گری که برای مقصود محققان

مزبور داشته است، آن را آورده‌ایم

5. Markus & Kitayama

6. Li & Fischer

7. Foster

تغییرات سطوح شرم در طول زمان جهت استفاده در تحقیقات درمانی و موقعیت‌های بالینی. علاوه بر این ابزارهای صفت محور<sup>۱</sup> در زمینه احساس شرم اگرچه ابزارهایی پایا هستند اما نمرات این ابزارها نشان‌دهنده واریانس پدیده‌های متفاوتی است (رایزوی، ۲۰۰۹). بنابراین تهیه مقیاسی جهت رفع این نواقص اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. رایزوی (۲۰۰۹) در پاسخ به این ضرورت مقیاسی تهیه نمود که اندازه‌گیری شرم را هم به عنوان یک "صفت"<sup>۲</sup>، یعنی اندازه‌گیری کلی وضعیت گرایش به تجربه شرم و هم به عنوان یک "حالت"<sup>۳</sup>، یعنی اندازه‌گیری سطوح شدت شرم را امکان‌پذیر می‌سازد. این ابزار تعریفی از شرم هم به عنوان یک احساس کلی و هم به عنوان یک پاسخ به رویداد خاصی از زندگی فراهم می‌کند. همان‌طور که تجارب شخصی و بالینی نشان می‌دهد شرم هیجانی بسیار ویژه است. این مقیاس دو ویژگی "حالت" و "صفت" را باهم مفهوم‌سازی می‌کند. رایزوی (۲۰۰۹) در پژوهشی، طی دو مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس را بررسی نمود؛ که با توجه به شرحی که در بخش معرفی ابزار خواهد آمد، از روایی و پایایی مطلوبی در جمعیت آمریکایی برخوردار بوده است.

با توجه به آنچه پیشتر آمد این پرسش‌نامه هم به عنوان ابزاری برای تشخیص بالینی و هم به عنوان یک ابزار پژوهشی قابل استفاده می‌باشد (رایزوی، ۲۰۰۹). بنابراین فراهم آوردن مقدمات لازم جهت استفاده از آن در ایران ضروری می‌نمود و پژوهش حاضر با چنین هدفی انجام پذیرفت تا موجبات غنا بخشیدن به حوزه پژوهش هیجانات اخلاقی را، در جامعه‌ای که دین‌دار محسوب می‌شود را فراهم آورد. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد: ۱- آیا مقیاس شرم دو بخشی در نمونه دانشجویان ایرانی دارای روایی سازه می‌باشد و ساختار عاملی نشانه‌های شرم در فرهنگ ایرانی چگونه است؟ ۲- آیا مقیاس شرم دارای روایی همگرا و واگرای مطلوب می‌باشد؟ ۳- آیا مقیاس شرم برای سنجش احساس شرم دانشجویان ایرانی از پایایی لازم برخوردار است؟ ۴- آیا تفاوت

1. trait-based
2. trait
3. state

معناداری بین میانگین نمرات احساس شرم دختران و پسران وجود دارد؟

### روش پژوهش

#### شرکت‌کنندگان پژوهش

شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۲۳۱ نفر (۱۳۴ دختر و ۹۷ پسر) از دانشجویان کارشناسی رشته‌های مختلف ساکن خوابگاه‌های دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز بودند که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند. از آنجا که هدف پژوهش حاضر تعیین خصوصیات روان‌سنجی پرسش‌نامه شرم بود مبنای تعیین حجم نمونه تعداد گویه این مقیاس بود که برابر ملاک پیشنهادشده در منابع (سرمد، بازرگان و حجازی (۱۳۸۷) و همچنین کلان، ۱۹۹۴ به نقل از حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸). این گروه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. به این ترتیب که به درب اتاق‌ها در خوابگاه‌های دختران و پسران مراجعه و از دانشجویان کارشناسی حاضر در اتاق درخواست تکمیل مقیاس‌ها می‌شد.

#### ابزار پژوهش

همان‌گونه که ذکر شد، هدف پژوهش حاضر تعیین خصوصیات روان‌سنجی پرسش‌نامه شرم برای استفاده در ایران بود. در این راستا علاوه بر پرسش‌نامه اصلی به منظور تعیین روایی همگرا و واگرا از پرسش‌نامه‌های دیگر شامل آزمون هیجان خودآگاه برای بزرگسالان<sup>۱</sup> (تانجی، ۲۰۰۰)، و مقیاس شادکامی آکسفورد<sup>۲</sup> استفاده شد. مقیاس شرم<sup>۳</sup>: این پرسش‌نامه توسط رایزوی (۲۰۰۹) جهت سنجش گرایش فردی به شرم هم به صورت کلی و هم به صورت پاسخ به رویداد‌های خاص زندگی ساخته شد. این مقیاس دارای ۵۳ گویه است و در دو بخش سامان یافته است. سه گویه اول ضمن ارائه یک تعریف نسبتاً مبسوط، شرم کلی را با توجه به فراوانی، شدت و اثرات منفی تجربه شرم

1. Tests of Self-Conscious Affect
2. Oxford Happiness Questionnaire
3. shame Inventory

بر روی طیف ۵ درجه‌ای لیکرتی اندازه‌گیری می‌کند. در ۵۰ گویه بعد نشانه‌های شرم در پاسخ به رویدادهای خاص زندگی و بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۰ تا ۴ سنجیده می‌شود.

روایی و پایایی این مقیاس در فرهنگ آمریکایی توسط سازنده به روش‌های پیش‌بین و سازه‌ای و پایایی نیز به روش بازآزمایی و همسانی درونی احراز شد (رایزوی، ۲۰۰۹). نتایج روایی همگرا از طریق همبستگی با سایر ابزارهای معتبر محاسبه شد. به این ترتیب که با زیر مقیاس‌های شرم پرسش‌نامه TOSCA (۰/۵۰) و PFQ (۰/۳۷) همبستگی مطلوبی داشت. همچنین بین هیجان منفی به دست آمده با PANAS<sup>۲</sup> و نمره پرسش‌نامه شرم PFQ (۰/۴۸<sup>\*\*\*</sup>) همبستگی قوی وجود داشت. به منظور تعیین روایی پیش‌بین نمرات سه گروه با اختلالات شخصیت مرزی<sup>۳</sup>، سواسی جبری<sup>۴</sup> و گروه بهنجار<sup>۵</sup> مقایسه شد و نتایج نشان داد که نمره پرسش‌نامه شرم در سه گروه بهنجار، دارای اختلال شخصیت مرزی و دارای اختلال شخصیت سواسی - جبری، تفاوت معناداری باهم داشت و سه گروه از تفاوت معناداری در سطح (۰.۱)  $p \leq$  و با اندازه اثر بالا برخوردار هستند. افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی دارای بالاترین نمره کل پرسش‌نامه شرم بودند و افراد مبتلا به اختلال شخصیت سواسی جبری در مرتبه دوم و گروه کنترل دارای پایین‌ترین نمره در پرسش‌نامه شرم بود. پایایی بازآزمایی به فاصله یک هفته نشان داد که مقیاس از پایایی بازآزمایی مناسبی ( $r = 0.85$ ) برخوردار بود. مطالعات انجام شده نشان داد که پرسش‌نامه شرم در فرهنگ آمریکایی از همسانی درونی، پایایی بازآزمایی، روایی سازه‌ای و روایی پیش‌بینی مناسبی برخوردار است.

در مطالعه حاضر، جهت آماده‌سازی پرسشنامه شرم برای استفاده در جمعیت دانشجویی ایرانی و موارد بالینی ابتدا این مقیاس توسط محققان به زبان فارسی ترجمه شد. سپس نسخه

1. Personal Feeling Questionnaire
2. Positive & Negative Affect Scale
3. borderline Personality Disorder (BPD)
4. compulsive Personality Disorder (OCPD)
5. normal Controls (NC)



ترجمه شده توسط یک کارشناس ارشد زبان انگلیسی به انگلیسی برگردانده شد و موارد عدم انطباق تصحیح شد. به منظور انطباق گویه‌های پرسش‌نامه با فرهنگ ایرانی پس از طی مراحل ترجمه، گویه در اختیار متخصصان روان‌شناسی قرار گرفت که در نتیجه متن برخی گویه مورد انطباق فرهنگی قرار گرفت و سه گویه نیز به دلیل عدم هماهنگی با موازین و بافت فرهنگی از مجموع گویه‌ها حذف شدند. برای تعیین روایی سازه بخش اول مقیاس از همبستگی آن با بخش دوم مقیاس (نشانه‌های شرم) و نیز همبستگی آن با زیر مقیاس‌های شرم و احساس گناه توسکا و نیز همبستگی آن با مقیاس شادکامی آکسفورد بهره گرفته شد. برای بخش دوم مقیاس نیز از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد. دلیل استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی این بود که سازنده ابزار ساختار آن را همگن فرض کرده بود و عواملی پیشنهاد نداده بود و دلیل استفاده از چرخش واریماکس رسیدن به یک ساختار عاملی ساده و واجد استقلال عامل‌ها از طریق بسط تفسیرپذیری ماتریس همبستگی متغیرهای اندازه‌گیری شده (گویه‌ها) بود. همچنین از همبستگی نمره مقیاس شرم با زیر مقیاس‌های گرایش شرم و گرایش گناه هیجانان خودآگاه توسکا و همبستگی نمره مقیاس شرم با شادکامی آکسفورد به عنوان شاخص‌های دیگری برای تعیین روایی سازه استفاده شد. برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

مقیاس هیجان خودآگاه برای بزرگسالان (*TOSCA-3*): این مقیاس توسط تانگنی و همکاران (۲۰۰۰) ساخته شد و شامل ۱۶ گویه سناریو محور است که سناریوهای این نسخه دربرگیرنده ماده‌هایی هستند که مستعد بودن به صفت شرم (۱۶ ماده)، مستعد بودن به صفت گناه (۱۶ ماده)، برونی کردن (۱۶ ماده)، بی تفاوتی (۱۱ ماده)، غرور آلفا (۵ ماده) غروربتا (۵ ماده) را می‌سنجند. هر ماده بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی درجه‌بندی می‌شود. در مطالعات قبلی همسانی درونی این مقیاس بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۸ برای زیر مقیاس شرم و ۰/۷۰ تا ۰/۸۳ برای زیر مقیاس گناه به دست آمده است (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). برای ثبات مطالعه آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برای زیر مقیاس شرم و ۰/۷۲ برای زیر مقیاس گناه

به دست آمد. اعتبار سازه این مقیاس نیز در پژوهش تانجینی و دیرینگ (۲۰۰۲) بررسی شد و نشان دهنده همبستگی معنادار و مثبت بین خرده مقیاس مستعد بودن به صفت شرم با آنه مؤلفه SCL-90 R بود (ضرایب همبستگی ۰/۲۰ تا ۰/۴۰ و در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  معنادار بود) و همبستگی مثبت غیر معنادار یا منفی معنادار بین خرده مقیاس های مستعد بودن به صفت گناه با آنه مؤلفه SCL-90 R (ضرایب همبستگی بین ۰/۱۳ تا ۰/۱۷-) به دست آمد. ویژگی های روان سنجی این ابزار در ایران نیز محاسبه شد و پایایی آلفای کرونباخ و باز آزمایی به فاصله یک هفته برای احساس شرم به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۶۴ و برای احساس گناه به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۳۹ به دست آمد. علاوه بر این همبستگی بین خرده مقیاس شرم و افسردگی مثبت و معنادار و همبستگی بین خرده مقیاس احساس گناه و افسردگی مثبت و غیر معنادار به دست آمد (روشن چسلی و همکاران، ۱۳۸۶). در این پژوهش نیز پایایی زیر مقیاس های شرم و احساس گناه به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد، که ضریب به دست آمده برای شرم ۰/۷۹ و برای احساس گناه ۰/۸۲ بود که نشان از پایایی مطلوب زیر مقیاس های مزبور دارد.

مقیاس شادکامی آکسفورد: این مقیاس توسط آرگیل<sup>۱</sup>، مارتین و کراسلند (۱۹۸۹)، به نقل از آرگیل (۲۰۰۱) تهیه شد و در سال ۱۹۹۸ مورد تجدیدنظر قرار گرفت (هیلز<sup>۲</sup> و آرگیل، ۱۹۹۸). این پرسش نامه ۲۹ ماده چهارگزینه ای دارد که گزینه های آن به ترتیب از ۰ تا ۳ نمره گذاری می شوند. پایایی و روایی این پرسش نامه در ایران در پژوهش جوکار و سپهری (۱۳۸۵) به ترتیب با روش آلفای کرونباخ استفاده از روش تحلیل عوامل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل عامل به روش مؤلفه های اصلی، بیانگر وجود یک عامل کلی در پرسشنامه شادی بود. پایایی آن نیز ۰/۹۳ به دست آمد. در این پژوهش نیز پایایی مقیاس شادکامی آکسفورد به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد که پایایی بالایی می باشد.

1. Argyle, Martin & Crossland  
2. Hills

### یافته‌ها

چنان‌که گفته شد، مقیاس شرم از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول با ارائه یک تعریف نسبتاً مبسوط به مراجع، وجود و میزان شرم، شدت شرم و تأثیر شرم ادراک شده توسط مراجع بر زندگی‌اش را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. سه گویه اول با توجه به تعریف ارائه شده از شرم برای شرکت‌کننده میزان، شدت و تأثیر شرم را از دید مشارکت‌کننده می‌سنجد که برای تعیین روایی آن از همبستگی نمره کل سه گویه با بخش دوم مقیاس (نشانه‌های شرم) و همبستگی آن با زیر مقیاس‌های شرم و احساس گناه توسکا و شادکامی آکسفورد بهره گرفته شد.

برای سنجش ساختار عاملی بخش دوم مقیاس یعنی نشانه‌ها شرم و در واقع پاسخگویی به سؤال اول پژوهش مبنی بر تعیین روایی سازه، از آنجا که سازنده ابزار برای این پرسش‌نامه در فرهنگ آمریکایی ساختار عاملی پیشنهاد نداده بود و با توجه به امکان شناسایی سازه‌های مکنون زیربنایی برای متغیرهای مشاهده‌شده مقیاس، مفهوم‌سازی و تعریف سازه شرم و نیز سنجش امکان تعمیم‌دهی یک ساختار مشخص به دیگر فرهنگ‌ها از تحلیل عامل اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد و آماره‌های نهایی بر مبنای ماتریس چرخش یافته عامل‌ها استخراج شد. ضریب KMO به دست آمده ۰/۸۳ بود، که بیانگر بسندگی متغیرها در ماتریس همبستگی و مقدار آماره خی دو بار تلت ۳۴۷۴ ( $P < 0.001$ ) بود، که بیانگر کرویت ساختار ماتریس همبستگی یا کفایت همبستگی برای انجام تحلیل عاملی است. ملاک تعیین عوامل ارزش ویژه بالاتر از یک و شیب منحنی اسکری بود. بر این اساس دو عامل تعیین شد. عوامل استخراج شده به دو شیوه قائم<sup>۱</sup> و مایل<sup>۲</sup> مورد چرخش قرار گرفتند. نتایج دو شیوه چرخش همخوانی بسیار زیادی باهم داشتند و به همین لحاظ تنها نتایج چرخش واریماکس گزارش شد. از نظر متخصصان روان‌شناسی دانشگاه شیراز عوامل تحت عناوین بی‌کفایتی خود<sup>۳</sup> و خطای

1. orthogonal
2. oblique
3. self inadequacy

اخلاقی نام‌گذاری شدند.

جدول شماره ۱ وزن‌های عاملی گویه‌های مقیاس را در عوامل استخراجی نشان داده است. گویه‌های ۵ و ۲۷ به دلیل بار عاملی پایین حذف شدند. در ادامه تعریف ارائه شده و سه گویه کلی آورده شده است. [شرم یک احساس دردناک و منفی است که در آن خود یکپارچه به طور بد یا بی‌ارزش ارزیابی می‌شود. که این احساس احتمالاً همراه با میل به پس زدن یا پنهان کردن بعضی رفتارها یا جنبه‌های شخصی شماست. شرم با آنچه که ما به طور کلی غمگینی یا پریشانی می‌نامیم متفاوت است زیرا وابسته به این است که شما درباره خودتان چه احساسی دارید. بعضی مردم بر یک قاعده منظم شرم را تجربه می‌کنند، ولی بعضی‌ها به ندرت یا اصلاً شرم را تجربه نمی‌کنند و بعضی‌ها همیشه تجربه می‌کنند.

سؤالات زیر درباره احساس کلی شرم است که ممکن است تجربه کنید.

- ۱- با توصیفی که از شرم شد، چند وقت یک‌بار شرم را تجربه می‌کنید؟ هرگز، بسیار کم، گاهی اوقات، غالباً، همیشه
- ۲- شدت یا عمق شرمی که تجربه می‌کنید تا چه حد است؟ اصلاً، کم، متوسط، زیاد، شدید
- ۳- تا چه اندازه شرم تأثیر منفی بر کیفیت زندگی شما می‌گذارد؟ هیچ تأثیری، تأثیر کم، تأثیر متوسط، تأثیر زیاد، تأثیر شدید

#### جدول ۱. وزن‌های عاملی گویه‌ها

| گویه‌ها | گویه‌های مبتنی بر نشانه‌های مقیاس شرم رایزوی | بی‌کفایتی خود | خطای اخلاقی |
|---------|--|---------------|-------------|
| ۱       | وقتی جلوی دیگران به من بخندند                | ۰/۴۳          |             |
| ۲       | وقتی جلوی دیگران مورد نکوهش واقع شوم.        | ۰/۴۸          |             |
| ۳       | وقتی جلوی دیگران گریه کنم.                   | ۰/۴۲          |             |
| ۴       | وقتی که جلوی دیگران تم‌شنگه راه انداختم.     | ۰/۴۱          |             |

|      |   |    |
|------|---|----|
| ۰/۴۲ | وقتی که قصد خودکشی کردم یا قصد آسیب زدن به خودم را داشتم.   | ۵  |
| ۰/۳۲ | وقتی سؤالی را که احساس می‌کردم باید بدانم، جواب ندادم.      | ۶  |
| ۰/۵۶ | وقتی در مورد دیگران بدگویی می‌کردم و گیر افتادم.            | ۷  |
| ۰/۳۵ | وقتی که پرخوری می‌کنم یا غذاهای غیربهداشتی و چرب می‌خورم.   | ۸  |
| ۰/۴۹ | وقتی قرار ملاقات مهمی را از دست دادم.                       | ۹  |
| ۰/۴۸ | وقتی برای کار مهمی که انجام ندادم مورد تحسین قرار گرفتم.    | ۱۰ |
| ۰/۵۲ | وقتی با معیارهای مهم خودم تطابق نداشتم.                     | ۱۱ |
| ۰/۵۲ | وقتی معیارهای دیگران را برآورده نکردم.                      | ۱۲ |
| ۰/۶۸ | وقتی دروغ گفتم.   | ۱۳ |
| ۰/۶۹ | وقتی فولی را شکستم.   | ۱۴ |
| ۰/۵۱ | وقتی که قصد خودکشی کردم و یا قصد آسیب زدن به خودم را داشتم. | ۱۵ |
| ۰/۵۳ | وقتی جرمی مرتکب شدم.  | ۱۶ |
| ۰/۴۵ | وقتی کسی که پشت‌سر من حرف‌های بد می‌زد را شناختم.           | ۱۷ |
| ۰/۴۸ | وقتی از من تعریف می‌کنند.                                   | ۱۸ |
| ۰/۴۷ | وقتی فهمیدم کسی که به او علاقه دارم چنین حسی به من ندارد.   | ۱۹ |
| ۰/۳۵ | وقتی از کسی تقاضای ازدواج کردم و نپذیرفت.                   | ۲۰ |
| ۰/۳۷ | وقتی توانایی خرید چیزی را نداشتم.                           | ۲۱ |
| ۰/۴۷ | وقتی در یادگیری یک مطلب کند بودم.                           | ۲۲ |
| ۰/۵۷ | وقتی کسی را از نظر عاطفی رنجاندم.                           | ۲۳ |
| ۰/۶۲ | وقتی به کسی از نظر فیزیکی آسیب رساندم.                      | ۲۴ |
| ۰/۵۸ | وقتی به حیوانی آسیب زدم.                                    | ۲۵ |
| ۰/۴۲ | وقتی که عکس خودم را دیدم یا در آینه خودم را دیدم.           | ۲۶ |
| ۰/۴۶ | وقتی ترسیدم کاری انجام دهم.                                 | ۲۷ |

|       |       |   |    |
|-------|-------|---|----|
|       | ۰/۴۴  | وقتی در کار شکست خوردم                              | ۲۸ |
| ۰/۳۴  |       | وقتی یک رابطه دوستانه را از دست دادم                | ۲۹ |
| ۰/۴۷  |       | وقتی خیال خشونت یا کشتن به سرم زد                   | ۳۰ |
| ۰/۳۶  |       | وقتی رؤیاهای جنسی یا عجیب و غریب داشتم.             | ۳۱ |
| ۰/۵۸  |       | وقتی به یک دوست خیانت کردم                          | ۳۲ |
|       | ۰/۴۸  | وقتی که کسی که به او علاقه داشتم به من خیانت کرد    | ۳۳ |
|       | ۰/۴۰  | وقتی از یکی از اعضای خانواده‌ام تنفر داشتم          | ۳۴ |
|       | ۰/۵۰  | وقتی یکی از جنبه‌های خصوصی خودم را آشکار کردم.      | ۳۵ |
|       | ۰/۵۵  | وقتی دیگران توصیفی از من داشته باشند.               | ۳۶ |
|       | ۰/۵۴  | وقتی رابطه صمیمانه‌ای ندارم                         | ۳۷ |
|       | ۰/۴۷  | وقتی بدانم که بچه دار نمی‌شوم                       | ۳۸ |
|       | ۰/۶۱  | وقتی احساس کنم که جذاب نیستم و یا احساس کنم که زشتم | ۳۹ |
|       | ۰/۶۰  | وقتی احساس کنم که اختلال روانی دارم                 | ۴۰ |
|       | ۰/۴۲  | اهل یک نژاد یا قوم خاص بودن.                        | ۴۱ |
|       | ۰/۵۲  | نداشتن یک شغل خوب                                   | ۴۲ |
|       | ۰/۴۰  | فرزندخوانده بودن                                    | ۴۳ |
|       |       | ارزش ویژه   |    |
| ۷/۲۹  | ۸/۱۸  | واریانس تبیین شده (پس از چرخش)                      |    |
| ۱۳/۳۵ | ۱۴/۹۷ | واریانس کل مقیاس مبتنی بر نشانه‌ها                  |    |
|       | ۲۸/۳۲ |   |    |

برای پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش مبنی بر روایی همگرا و واگرایی مؤلفه‌های مقیاس شرم از همبستگی پیرسون استفاده شد. در جدول ۲ نتایج ماتریس همبستگی پیرسون میان متغیرهای پژوهش (گرایش گناه و گرایش شرم توسکا و شادکامی آکسفورد) و مؤلفه‌های مقیاس شرم (شرم کلی بسته به تعریف) و دو مؤلفه بخش دوم (نشانه‌های شرم) مقیاس آورده شده است. چنان که مشاهده می‌شود هر سه مؤلفه مقیاس شرم با گرایش شرم توسکا رابطه معنادار دارد و ضریب مؤلفه بی‌کفایتی بالاتر از دو مؤلفه دیگر می‌باشد. مؤلفه شرم

ادراک شده و مؤلفه بی‌کفایتی با احساس گناه رابطه ندارد و تنها مؤلفه خطای اخلاقی با احساس گناه رابطه معنادار دارد. همچنین مؤلفه شرم ادراک شده و مؤلفه بی‌کفایتی با شادکامی رابطه معنادار دارد در حالی که خطای اخلاقی با شادکامی رابطه معنادار ندارد. همچنین همبستگی میان مؤلفه‌های مقیاس شرم بین ۰/۳۱ تا ۰/۵۱ و معنادار بود. در حالی که همبستگی مؤلفه‌ها با نمره کل مقیاس در محدوده ۰/۴۶ تا ۰/۹۱ بود.

برای بررسی سؤال سوم پژوهش مبنی بر پایایی مؤلفه‌ها و نمره کل نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج مربوط به پایایی به روش آلفای کرونباخ نشان از پایایی مطلوب ابعاد مقیاس و نیز نمره کل می‌باشد. میانگین همبستگی بین گویه‌ها نیز به عنوان شاخصی از پایایی چنان که مشاهده می‌شود مطلوب است.

برای پاسخگویی به سؤال چهارم پژوهش مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی متغیرها از آمار توصیفی و آزمون تی مستقل استفاده شد. در جدول ۳ شاخص‌های آمار توصیفی به همراه آزمون تی مستقل جهت بررسی تفاوت جنسیتی در متغیرهای مورد بررسی در پژوهش ارائه شده است. چنان که مشاهده می‌شود میانگین نمره دختران در احساس شرم، احساس گناه و مؤلفه خطای اخلاقی به طور معناداری بیشتر از پسران می‌باشد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش (روایی همگرا، واگرا و همبستگی بین مؤلفه‌ها)

| متغیرها                        | ۱       | ۲      | ۳       | ۴      | ۵     |
|--------------------------------|---------|--------|---------|--------|-------|
| ۱- شرم ادراک شده بسته به تعریف |         |        |         |        |       |
| ۲- خطای اخلاقی                 | ۰/۳۱**  |        |         |        |       |
| ۳- بی‌کفایتی خود               | ۰/۳۴**  | ۰/۵۱** |         |        |       |
| ۴- شرم TOSCA                   | ۰/۲۱*** | ۰/۲۶** | ۰/۳۶**  |        |       |
| ۵- احساس گناه TOSCA            | ۰/۱۴    | ۰/۲۴** | ۰/۰۴    | -۰/۱۲  |       |
| ۶- شادکامی آکسفورد             | -۰/۲۴** | -۰/۰۰۶ | -۰/۲۲** | -۰/۱۵° | -۰/۰۴ |

\* $p < 0.05$  \*\* $p < 0.01$

برای سنجش پایایی مقیاس شرم از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفا برای مؤلفه خطای اخلاقی، بی‌کفایتی خود و نمره کل نشانه‌های شرم به ترتیب، ۰/۸۵، ۰/۸۷ و ۰/۹۰

بود.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی به تفکیک جنسیت و نتایج آزمون تی مستقل

| T                   | پسران (۹۷ نفر) |         | دختران (۱۳۴ نفر) |         | کل نمونه (۲۳۱ نفر) |         |                                      |
|---------------------|----------------|---------|------------------|---------|--------------------|---------|--------------------------------------|
|                     | انحراف معیار   | میانگین | انحراف معیار     | میانگین | انحراف معیار       | میانگین |                                      |
| -۲/۱۲ <sup>**</sup> | ۹/۴۴           | ۳۶/۴۴   | ۱۰/۵۵            | ۳۹/۱۹   | ۹/۷۶               | ۳۸/۰۳   | شرم TOSCA                            |
| -۲/۸۲ <sup>**</sup> | ۸/۷۹           | ۵۰/۳۱   | ۱۰/۵۵            | ۵۴/۰۳   | ۱۰/۰۰              | ۵۲/۴۷   | احساس گناه<br>TOSCA                  |
| ۰/۲۹                | ۱۳/۴۹          | ۵۱/۱۵   | ۱۴/۸۸            | ۵۰/۵۸   | ۱۴/۲۸              | ۵۰/۸۲   | شهادت‌گامی<br>آکسفورد<br>خطای اخلاقی |
| -۲/۶۲ <sup>**</sup> | ۹/۴۱           | ۳۶/۱۱   | ۹/۹۷             | ۳۹/۵۲   | ۹/۸۶               | ۳۸/۰۸   |                                      |
| -۰/۸۹               | ۱۳/۰۰          | ۴۴/۵۸   | ۱۶/۲۰            | ۴۶/۳۱   | ۱۴/۹۳              | ۴۵/۵۹   | بی‌کفایتی خود                        |
| -۰/۸۱               | ۲/۲۹           | ۵/۶۲    | ۲/۲۹             | ۵/۸۷    | ۲/۲۵               | ۵/۷۷    | شرم ادراک شده<br>بسته به تعریف       |

\* $p < 0.05$  \*\* $p < 0.01$ 

## بحث و نتیجه‌گیری

اولین دغدغه پژوهش، به روایی و ساختار عاملی مقیاس شرم ریزوی مربوط بود، نتایج به دست آمده بر نمونه دانشجویی این پژوهش نشان داد که ساختار عاملی این مقیاس با نتایج ریزوی (۲۰۰۹) بر دانشجویان آمریکایی همخوان نمی‌باشد، ساختار تک عاملی مورد نظر سازنده ابزار در نشانه‌های شرم فردی در بافت فرهنگی مورد نظر، مورد تجدیدنظر قرار گرفت و یک ساختار دو عاملی برای نشانه‌ها پیشنهاد شد که با داده‌های به دست آمده برازش بهتری داشت. این دو عامل ارزش ویژه قابل توجهی داشتند و در کنار سه گویه کلی شرم که تحت عنوان شرم ادراک شده بسته به تعریف، نام‌گذاری شده واریانس قابل توجهی از مقیاس تبیین می‌شد. چرا که بنا بر یافته‌های تحقیقات "خود" و "فرهنگ" و همچنین تحقیقات مربوط به امکان هیجان‌ات دیالکتیک، فرهنگ ما به عنوان یک فرهنگ شرقی جمع‌گرا، مقوم "وابسته به دیگری" بودن "خود" می‌باشد و به عبارت دیگر خود

I. interdependent concept of self



فرد در ارتباط و لحاظ کردن "دیگری" به عنوان منبع ارزش و اقتدار، شکل می‌گیرد و رشد می‌کند (نک؛ مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ لی و فیسچر، ۲۰۰۳؛ میاموتو، یوچیدا و الثورث<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). قائل شدن و تأکید بر لزوم مطالعه شرم درونی شده به صورت یک ساختار چند عاملی و اصطلاح‌شناسی مؤلفه بی‌کفایتی با یافته دل‌روساریو و وایت<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) و گاس<sup>۳</sup>، گیلبرت و الان (۱۹۹۴)، به نقل از دل‌روساریو و وایت (۲۰۰۶) همسو می‌باشد. علت استفاده از نام‌گذاری‌های فوق برای مؤلفه‌ها، یکی توجه به مبانی نظری هیجانات اخلاقی بود و دیگر توجه به محتوای گویه‌ها. به عنوان مثال مؤلفه خطای اخلاقی متشکل از گویه‌هایی بود که در عرف فرهنگی جامعه، اخلاقاً دارای قبح می‌باشند و در واقع محتوای گویه‌ها متضمن نوعی آسیب رساندن به دیگری بودند. اما در مؤلفه بی‌کفایتی خود محتوای گویه‌ها متضمن احساس حقارت پس از ارزیابی شخصی از ویژگی‌هایش بود. مؤلفه شرم ادراک شده بسته به تعریف، نیز در واقع یک راهبرد سنجشی برای فائق آمدن بر دشواری‌های سنجش شرم می‌باشد، نه اینکه مؤلفه‌ای باشد که در کنار دو مؤلفه دیگر احراز شده باشد. "شرم ادراک شده بسته به تعریف" دارای سه گویه می‌باشد که بعد از ارائه یک تعریف به مراجع، ادراک فرد از اینکه به چه میزان و شدتی شرم دارد و این شرم چه قدر سازگاری‌اش را دچار مشکل کرده است، را می‌سنجد.

روایی همگرایی این ابزار نیز با خرده مقیاس شرم TOSCA تأیید شد. روایی بخش کلی مقیاس با زیر مقیاس شرم توسکا رابطه معنادار داشت و با زیر مقیاس احساس گناه توسکا رابطه معناداری نداشت. این بخش با مقیاس شادکامی آکسفورد رابطه منفی معنادار داشت. همچنین با مؤلفه‌های بخش نشانه‌های شرم رابطه معنادار داشت. سه مؤلفه بی‌کفایتی خود، خطای اخلاقی و شرم ادراک شده بسته به تعریف، با زیر مقیاس شرم TOSCA رابطه معنادار دارند و بیشترین ضریب برای مؤلفه بی‌کفایتی و کمترین ضریب مربوط به شرم ادراک شده بسته به تعریف می‌باشد. این یافته نشان از کفایت روایی سازه شرم در

1. Miyamoto, Uchida & Ellsworth

2. Delrosario & White

3. Goss, Gilbert & Allan

جمعیت دانشجویی دارد و ساختار دو عاملی نشانه‌های شرم به همراه یک مؤلفه شرم کلی ادراک شده این امکان را فراهم می‌آورد که همپوشانی‌های سازه شرم با سازه‌های مشابه و سازه احساس گناه بهتر دیده شود، شدت ضرایب همبستگی این مؤلفه‌ها با شرم و گناه TOSCA این نکته را تا حدی روشن می‌سازد. این نکته در رابطه میان مؤلفه خطای اخلاقی و خرده مقیاس احساس گناه TOSCA نیز مشاهده می‌شود و همچنین عدم رابطه مؤلفه ارزیابی بی‌کفایتی با خرده مقیاس احساس گناه TOSCA نشان از بخش ناهمبسته و در واقع افتراقی سازه شرم مفهوم‌پردازی شده، با احساس گناه دارد. شاید بتوان این نتیجه را به نوعی پیامد همان چالش اساسی مطرح شده توسط تانجنی (۱۹۹۶) دانست که همپوشی احساس شرم و گناه تعیین کارکردهای سازگارانه و ناسازگارانه این دو هیجان را دشوار می‌سازد. این یافته نشان می‌دهد که در سنت فرهنگ ایرانی نسبت به فرهنگ غربی به طور کلی شرم و احساس گناه درهم تنیدگی و ارتباط نزدیکتری باهم دارند و نیز نشان می‌دهد که در عین حال مؤلفه‌های متمایز و نقاط تفکیک شونده را نیز دارا هستند. در این رابطه تانجنی و دیرینگ (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که شرم هیجانی شدیدتر و قوی‌تر است و ممکن است گاهی با احساس گناه ترکیب شود و تأثیر احساس گناه را کاهش دهد. دلالت‌های این یافته همسو با فرضیه‌هایی است که الگوهای متفاوتی از شرم و گناه را در میان فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهند. در این راستا فرا تحلیل انجام شده بر ۱۹۰ مطالعه بین فرهنگی هیجان‌ات که در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۰ انجام شده توسط وان‌همرت، پورتینگا و دی‌وایجور (۲۰۰۷) نشان از تفاوت‌های بین فرهنگی هیجان‌ات داشت که این تفاوت‌ها مربوط می‌شد به نحوه معیشت، سیستم سیاسی، ارزش‌ها و مذهب. مطالعه مزبور نشان داد که ارزش‌ها نسبت به دیگر فاکتورهای بیان شده، سهم بیشتری در تبیین این تفاوت‌ها به خود اختصاص دادند.

در ادامه، روایی و اگرای مؤلفه‌های مقیاس شرم با مقیاس شادکامی آکسفورد نشان می‌دهد که مؤلفه بی‌کفایتی و مؤلفه شرم ادراک شده بسته به تعریف با شادکامی همبستگی منفی معنادار دارند که این با یافته‌های زیادی از جمله تانجنی و دیرینگ (۲۰۰۴) و تامپسون

و هپورن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) مبنی بر رابطه گرایش شرم و عزت نفس پایین همسو می‌باشد، اما مؤلفه خطای اخلاقی همبستگی معناداری با شادکامی ندارد. این یافته به خوبی روایی سازه مقیاس شرم را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که آن بخش از سازه شرم که با احساس گناه همبسته است همچون احساس گناه، مطابق با تحقیقات پیشین مانند بالدوین و همکاران (۲۰۰۶) و سیلفور<sup>۲</sup>، هلکاما<sup>۳</sup>، لانکوویست<sup>۴</sup> و ورکاسالو<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) سازش یافته است و با سازه‌های مثبت مثل شادکامی رابطه منفی ندارد. معنی دار شدن رابطه شادکامی با شرم ادراک شده، مؤلفه بی‌کفایتی و نیز شرم توسکانشان می‌دهد که بخش سازش نیافته و آسیب زنده شرم که همراه است با عدم حرمت نفس و خویشتن و ادراک خود به عنوان بی‌ارزش که به طور کلی میزان، تأثیر و شدت شرم ادراک شده را بالا می‌برد به عنوان مکانیزم‌های هیجانی که مانع شادکامی محسوب می‌شود عمل می‌کند. چرا که هم‌راستا با برخی از رهیافت‌های نظری (مثل کریستاجنسون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲) شادکامی به عنوان یک مؤلفه اساسی در روان‌شناسی مثبت نیازمند پذیرش خود و ادراک ارزشمندی و واجد فضیلت بودن خود می‌باشد. تأیید روایی سازه با یافته رایزوی (۲۰۰۹) و مطالعات اولیه رایزوی و لینهان<sup>۷</sup> (۲۰۰۵)، به نقل از رایزوی، (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

مقایسه بازده ضرایب به دست آمده برای رابطه مؤلفه‌های مقیاس شرم با یکدیگر و با نمره کل مقیاس، نشان می‌دهد که مفهوم‌پردازی دو عاملی نشانه‌های شرم و در نظر گرفتن یک عامل بسته به تعریف ادراک شده، قابلیت تفکیک از یکدیگر را دارا هستند و از این قاعده که مؤلفه‌ها بایستی با یکدیگر رابطه بالایی نداشته و در مقابل هر کدام با نمره کل رابطه بالایی داشته باشند پیروی می‌کند.

در خصوص پایایی مقیاس شرم نیز ضرایب آلفای کرونباخ نشان از همسانی درونی

1. Hepburn
2. Silfver
3. Helkama
4. Lonqvist
5. Verkasalo
6. Cristjansson
7. Linehan

مطلوب این ابزار دارد که با یافته‌های رایزوی (۲۰۰۹) در این زمینه همسو می‌باشد. شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی مستقل مربوط به متغیرها و مؤلفه‌های مورد پژوهش نشان می‌دهد که نمره افراد در مؤلفه خطای اخلاقی مقیاس شرم و نیز خرده مقیاس‌های گرایش گناه و گرایش شرم TOSCA در دختران و پسران دانشجویان تفاوت معنادار دارد و دختران میانگین بالاتری را نشان می‌دهند که این با یافته‌های تامپسون، شارپ<sup>۱</sup> و الکساندر (۲۰۰۸)، فرگوسن و کراولی<sup>۲</sup> (۱۹۹۷)، فراری و چیک<sup>۳</sup> (۱۹۹۸)، به نقل از تامپسون و همکاران، (۲۰۰۸) و عطری‌فرد و همکاران (۱۳۸۵) همسو می‌باشد. البته تفاوت، بیشتر در گرایش گناه و نیز مؤلفه اخلاقی مقیاس شرم می‌باشد؛ و مؤلفه ارزیابی بی‌کفایتی در دختران و پسران تفاوت معناداری ندارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان به الگوهای تربیت اخلاقی متفاوت پسران و دختران در فرهنگ ایرانی - اسلامی اشاره کرد که در واقع دختران با فشارهای بیشتری برای رعایت استانداردهای دینی و اخلاقی مواجه بوده‌اند و نقض استانداردها و اصول از ناحیه ایشان ناروایی و سرزنش بیشتری را به همراه داشته و دارد. همچنین در این راستا می‌توان به یافته‌های مک‌کوید و بورسیک<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) و والتر و بورنافورد<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) اشاره کرد که نقش جنسیت و طر حواره جنسیتی را در پاسخ به شرم و گرایش گناه مورد آزمون قراردادند و نشان دادند که دختران هم در گرایش به شرم و هم در گرایش به گناه نمرات بالاتری داشتند.

در این پژوهش تلاش شد که خصوصیات روان‌سنجی مقیاس شرم رایزوی در نمونه برگرفته از فرهنگ ایرانی آزمون شود و میزان تعمیم‌پذیری مدل سنجشی رایزوی در میان دانشجویان ایرانی تعیین گردد، این امر با توجه به مفهوم‌سازی ارائه‌شده از آن و پیشینه ابزارهای موجود جهت سنجش شرم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. چنانچه در مقدمه آورده شد منحصربه‌فرد بودن مقیاس شرم رایزوی از چندین جهت می‌باشد که

1. Tampon, Sharp & Alexander
2. Ferguson & Crowley
3. Ferrari & Cheek
4. Mccuoid & Bursik
5. Walter & Burnaford

عبارت‌انداز؛ اینکه این ابزار توانسته است دو ویژگی حالت و صفت شرم را همزمان در مفهوم‌سازی مدل‌سنجی بگنجانند، همچنین این ابزار با ارائه یک تعریف به مشارکت‌کننده، شرم کلی ادراک شده او را در سه سطح فراوانی، شدت شرم و میزان تأثیر آن بر کیفیت زندگی می‌سنجد و بخش دوم ابزار این امکان را فراهم می‌کند تا سطوح نشانه‌های شرم فردی را در رویدادهای خاص مورد سنجش قرارداد. نقطه قوت دیگر این ابزار این است که هم بر نمونه بالینی و هم بر نمونه عادی مورد آزمون قرار گرفته و در موقعیت‌های بالینی و پژوهشی قابل استفاده می‌باشد.

## منابع

- جوکار، بهرام، و سپهری، صفورا. (۱۳۸۵). رابطه شادی و شیوه‌های گزینش. *مطالعات روان‌شناختی*، شماره ۳ و ۴. دوره دوم، ۱۲۵۸-۱۳۷.
- حبیب‌پور، کریم، و صفری، رضا. (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد اس‌پی‌اس‌اس در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*. تهران: نشر لویه.
- چسلی‌روشن، رسول، عطری‌فرد، مهدیه و نوری‌مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). بررسی اعتبار و پایایی سومین نسخه تجدیدنظر شده عاطفه خودآگاهی برای بزرگسالان. *دانشور رفتار*، ۲۵.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.
- عطری‌فرد، مهدیه، آزادفلاح، پرویز و اژه‌ای، جواد. (۱۳۸۵). *فعالیت دستگاه‌های مغزی رفتاری و مستعد بودن به شرم و گناه*. *مجله روانشناسی*، شماره ۱، سال دهم.
- Baldwin, M. K., Baldwin, R. J., & Ewald, T. (2006). The relationship among shame, guilt and self efficacy. *American journal of psychotherapy*, 60(1), 1-21.
- Baumeister, R. E., Stillwell, A. M., & Heatherton, T. E. (1995). *Interpersonal aspects of guilt: Evidence from narrative studies*. In J. P. Tangney & K. W. Fischer (Eds.), *Self-conscious emotions: The psychology of shame, guilt, embarrassment, and pride* (pp. 255-273). New York: Guilford Press.
- Benetti-McQuoid, J., & Bursik, K. (2005). Individual differences in experiences of and responses to guilt and shame: Examining the lenses of gender and gender role. *Sex Roles*, 53, 133-142.
- Bierhoff, H. (2002). *Prosocial behavior*. New York: Psychology press
- Cristjansson, C. (2012). Positive psychology and positive education: Old wine in new bottles? *EducationL Psychologist*, 47 (2), 86- 105
- Delrosario, P. M., & White, R. M. (2006). The internalized shame scale: temporal stability, internal consistency and principal components analysis. *Personality and individual differences*, 41, 95-103.
- Ferguson, T.J., & Crowley, S.L. (1997). Measure for measure: A multitrait-multimethod analysis of guilt and shame. *Journal of Personality Assessment*, 69, 425-441.

- Haidt, J. (2003). The moral emotions. In R. J. Davidson, K. R. Scherer, & H. H. Goldsmith (Eds.), *Handbook of affective sciences*. Oxford: Oxford University Press. (pp. 852-870).
- Hooge, I. E., Zeelenberg, M., & Breugelmans, M.S. (2007). Moral sentiments and cooperation: differential influences of shame and guilt. *Journal of Cognition and Emotion*, 21(5), 1025-1042.
- Kugler, K., Jones, W.H. (1992). On conceptualizing and assessing guilt. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62 (2), 318-327.
- Li, J., & Wang, Q. (2004). The organization of Chinese shame concept. *Cognition and emotion*, 18, 767-797
- Luyten, P., Fontain, J. R. J., & Corveleyn, J. (2002). Does the test of self-conscious affect (TOSCA) measure maladaptive aspects of guilt and adaptive aspects of shame? An empirical investigation. *Personality and Individual Differences*, 33, 1373-1387.
- Markus, R. H., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: implication for cognition, emotion and motivation. *Psychological review*, 98, 224-253.
- Martinez-Pilkington, A. (2007). Shame and guilt: the psychology of sacramental confession. *The Humanistic Psychologist*, 35(2), 203-218.
- Miyamoto, Y., Uchida, Y., & Ellsworth, P.C. (2010). Culture and mixed emotion: co occurrence of positive and negative emotions in Japan and the United States. *Emotion*, 10(3), 404 - 415.
- Nussbaum, C.M. (2004). *Hiding from humanity: disgust, shame, and law*. United Kingdom: Princeton University Press for business.
- Rizvi, S. L. (2009). Development and preliminary validation of a new measure to assess shame: the shame inventory. *Journal of Psychopathological Behavior Assessment*, 32, 438 - 447.
- Silfver, M., Helkama, K., Jonqvist, J. E., & Verkasalo, M. (2008). The relationship between value priorities and proneness to guilt, shame and empathy. *Motive and Emotion*, 32(2), 69-80.
- Thompson, T., & Hepburn, J. (2003). Causal uncertainty, claimed and behavioural self-handicapping. *British Journal of Educational Psychology*, 73, 247-266.
- Tampson, T., & Sharp, J. (2008). Assessing the psychometric properties of a scenario-based measure of achievement guilt and shame. *Educational Psychology*, 28 (4), 373-395.
- Tangney, J. P. (1996). Conceptual and methodological issues in the assessment of shame and guilt. *Behaviour Research and Therapy*, 34, 741-754.
- Tangney, J. P., & Dearing, R. I. (2004). *Shame & guilt*. The Guilford Press: New York, London.

- Tangney, J. P., Wagner, P., Fletcher, C., & Gramzow, R. (1992). Shamed into anger?: The relation of shame and guilt to anger and self-reported aggression. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62 (4), 669-675.
- Turner, J. E., Husman, J., & Scharelt, D. I. (2002). The importance of students goals in their emotional experience of academic failure: investigating precursors and consequences of shame. *Educational Psychologist*, 37 (2), 79-89.
- Vanhemert, D. A., Poortinga, Y. H., & Van de vijver, F. J. R. Emotion and culture: A meta-analysis. *Cognition and Emotion*, 21(5), 913-943.
- Walter, I. J., Burnaford, M. S. (2006). Developmental changes in adolescents guilt and shame: the role of family climate and gender. *North American Journal of Psychology*, 8, 321-328.
- Wright, k., & Gonjonsson, H. G. (2007). The development of a scale for measuring offence-related feeling of shame and guilt. *Journal of Forensic Psychiatry & Psychology*, 18(3), 307-316.